

## درونمایه، موضوع در نگرشی تحلیلی - انتقادی

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۳/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۴/۲۵

کد مقاله: ۲۱۴۰۰

سجاد نجفی بهزادی<sup>۱\*</sup>، جهانگیر صفری<sup>۲</sup>

### چکیده

موضوع و درون‌مایه از اصطلاحات حوزه ادبیات داستانی هستند که نگرش و تعاریف متعددی درباره آنها بیان شده است. مفاهیم و اصطلاحات بسیاری در حوزه داستان و نقد ادبی مانند درون‌مایه و موضوع وجود دارد که نگاه انتقادی به آنها صورت نگرفته و همواره بر همان تعاریف گذشته تکیه شده است. اهمیت این مساله باعث شد که نویسندگان تحقیق، به دنبال ارائه تعریفی مناسب و قابل فهم از موضوع و درون‌مایه باشند. ابتدا به تعاریف مختلف درون‌مایه و موضوع، طبقه بندی عناصر مشترک و متفاوت تعاریف پرداخته و در پایان نیز تعریفی نسبتاً روشن از موضوع و درون‌مایه ارائه می‌شود. برای روشن‌تر شدن تفاوت دو مقوله از داستان‌های «جوجه اردک زشت» اثر اندرسن و «ماهی سیاه کوچولو» اثر صمد بهرنگی استفاده شده است. موضوع؛ آن چیزی است که داستان درباره آن صحبت می‌کند. کشمکش، گفت‌وگو، کنش، حوادث، شخصیت، موقعیت و به طور کلی عناصر داستان، ابزاری است که نویسنده به وسیله آن بستر داستان (موضوع) را وضع می‌کند. موضوع بستری برای ارائه درون‌مایه است و آنچه در بطن و ژرف ساخت داستان قرار دارد، درون‌مایه است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

واژگان کلیدی: داستان، موضوع، درون‌مایه، ماهی سیاه کوچولو، جوجه اردک زشت.

۱- استادیار گروه ادبیات فارسی، شهرکرد، ایران s.nbehzadi@gmail.com

۲- استاد گروه ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

## ۱- مقدمه

اکثر مفاهیم و اصطلاحات حوزه هنر و ادبیات تعریف ثابت و یکسانی ندارند و این ویژگی عمومی مفاهیم و اصطلاحات ادبی و هنری است. عنصر زمان، مکان، فرهنگ و... متغیر بودن این مفاهیم را اجتناب ناپذیر کرده است. یکی از این مفاهیم و اصطلاحات، «موضوع» و «درون‌مایه» است. این دو مقوله در حوزه ادبیات داستانی مطرح هستند و مورد نظر نویسندگان این مقاله نیز هست. داستان چیست؟ موضوع داستان درباره چیست؟ درون‌مایه داستان چیست؟ آیا موضوع داستان همان درون‌مایه است؟ چه تفاوتی میان آن دو وجود دارد؟ موضوع و درون‌مایه داستان را چگونه تشخیص دهیم؟ این‌ها سوالاتی است که یک خواننده یا منتقد ادبی با آنها روبروست. وقتی داستانی خوانده می‌شود، اولین سوالی که مطرح می‌شود این است که موضوع آن چیست؟ در پاسخ گفته می‌شود، اجتماعی یا فلسفی یا... اما وقتی از درون‌مایه داستان سوال می‌شود؛ جواب قدری دشوار و تامل برانگیز می‌شود. برخی از خوانندگان و منتقدان به تفاوت و اهمیت این دو اصطلاح توجهی نمی‌کنند. در حالی که ارائه تعریفی روشن از داستان، موضوع و درون‌مایه می‌تواند کمک شایانی به فهم داستان و جایگاه نویسنده کند و شاخصی برای تمییز و طبقه بندی داستان باشد. نویسندگان و منتقدان، با توجه به تعاریف مختلف درون‌مایه و موضوع، هر کدام برداشت و نگرش متفاوتی نسبت به داستان دارند. این مساله نشان می‌دهد که منتقدان و پژوهشگران بر اثر برداشت خود از درون‌مایه و موضوع به تقسیم بندی این دو می‌پردازند. اهمیت توجه به اصطلاحات ادبی و ارائه تعریف مناسب و قابل فهم از آنها یکی از مسائل مهم در نقد ادبی امروز است. چه بسیار مفاهیم و اصطلاحاتی در حوزه داستان و نقد ادبی مانند درون‌مایه و موضوع وجود دارد که نگاه انتقادی به آنها صورت نگرفته است و همواره بر همان تعاریف گذشته تکیه می‌شود. اهمیت این مساله باعث شده که نویسندگان تحقیق، به دنبال ارائه تعریفی نسبتاً مناسب و قابل فهم از طریق داستان و تحلیل عناصر آن در داستان‌های کودک باشند. هدف این پژوهش، بررسی تعاریف ارائه شده از درون‌مایه و موضوع و ارائه یک تعریف مناسب و قابل فهم در چهار چوب داستان و مصداق‌های داستانی است. تعریفی که بتواند انواع داستان: واقعی، فراواقعی، کودک و... را در بر بگیرد.

## ۲- پیشینه پژوهش

درباره هر کدام از مقوله های موضوع و درون‌مایه پژوهش‌های متفاوت و زیادی صورت گرفته اما درباره تفاوت آنها پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. ۱. بیات و علیقلی (۱۳۹۰) تفاوت موضوع با اصطلاحات هم‌خوشه خود و کاربرد آن در سبک شناسی، ۲. درون‌مایه، وب‌کنی، ترجمه مهرداد ترابی نژاد، ۳. کتاب عناصر داستان میر صادقی که در آن به مبحث موضوع و درون‌مایه در قالب بررسی عناصر داستان می‌پردازد، ۴. تویبایس، رونالد (۱۳۸۹) درون‌مایه داستان، ترجمه مهرنوش طلایی. در کتاب‌های مختلفی نیز به صورت مختصر به مقوله موضوع و درون‌مایه اشاره شده است که اینجا مجال بیان همه آنها نیست. در این پژوهش نگاهی تازه و انتقادی به دو مقوله موضوع و درون‌مایه شده است. پس از ذکر تعاریف گوناگون، به ارائه یک تعریف نسبتاً مناسب و قابل فهم پرداخته شده است.

## ۳- بحث و بررسی

برای ورود به بحث ابتدا تعاریفی که از این مفاهیم شده، مورد بررسی قرار می‌گیرند. برای موضوع تعاریف‌های متعددی ذکر شده است. «موضوع اندیشه کلی است که زیر بنای داستان و شعر قرار دارد و درون‌مایه از آن به دست می‌آید» (فرهنگ اصطلاحات ادبی: ذیل درون‌مایه) اینکه موضوع زیر بنای داستان و شعر است، حرف نسبتاً درستی است؛ اما وقتی گفته می‌شود موضوع اندیشه کلی است این سوال پیش می‌آید که درون‌مایه بدست آمده از موضوع چیست؟ آیا درون‌مایه اندیشه جزئی است؟ یا موضوع ساز و کار کلی است که از درون آن، اندیشه یا فکر یا مرکزیت اندیشه بدست می‌آید؟ در تعریف دیگری از موضوع آمده است: «موضوع، مجموعه‌ای از اشیاء، جانداران، رویدادها و موقعیت‌هایی است که نویسنده برای به تصویر کشیدن درون‌مایه بر می‌گزیند. موضوع ممکن است عینی یا ذهنی باشد» (دایره المعارف هنر: ذیل موضوع). این تعریف از دو قسمت تشکیل شده است: قسمت اول قابل فهم است؛ یعنی آنچه که به وسیله نویسنده پرورش داده می‌شود تا درون‌مایه را ارائه نماید؛ اما اینکه ممکن است موضوع عینی یا ذهنی باشد، قابل تامل است. زیرا قسمت اول از دید ساختاری موضوع را تعریف می‌کند؛ اما قسمت دوم محتوایی است. میرصادقی در واژه‌نامه هنر داستان نویسی موضوع را این گونه تعریف می‌کند: «موضوع؛ شامل پدیده‌ها و حوادثی است که داستان را خلق می‌کند و درون‌مایه از آن تصویر می‌شود» (واژه نامه هنر داستان نویسی: ذیل موضوع) تعریف پاکباز و میرصادقی

تقریباً یکسان است. در واقع هر دو به آنچه که داستان در ظاهر درباره آن بحث می‌کنند موضوع می‌گویند. بیات و علیقلی زاده برای موضوع چند تعریف در نظر گرفته‌اند که به آنها اشاره می‌شود:

- موضوع، آن چیزی است که متن ادبی ظاهراً درباره آن است. آنچه که نوشته، در ظاهر و به صورت آشکار درباره آن بحث می‌کند. نه آن چیزی که باید از نوشته استنباط کرد. موضوع، آن چیزی است که به صورت مصدر یا اسم مصدری بیان می‌شود. گاهی موضوع با معنا و محتوای کلی شعر یکی است و گاهی باهم اختلاف دارند.
- موضوع، آن چیزی است که پیش از خلق اثر وجود دارد و هر کس می‌تواند از آن استفاده کند. «بیات و علیقلی زاده، ۱۳۹۰: ۲۶۹». تعاریف بیان شده اغلب مربوط به حوزه ساختاری است که برخی از آنها درست و برخی دیگر گنگ و نامفهوم است (یکی بودن با معنای شعر). بیان شدن موضوع به صورت مصدر یا اسم مصدر نیز امری بدیهی است که کمک‌چندانی به تفکیک موضوع از درون مایه نمی‌کند. شمیسا در کتاب نقد ادبی، موضوع و درون مایه را این گونه تعریف می‌کند: موضوع، فشرده و درون مایه گسترده است. موضوع را می‌شود آگاهانه پروراند؛ اما درون مایه معمولاً ناخودآگاه و عمیق است» (شمیسا، ۱۳۸۸: ۳۷۳). تعریف شمیسا اگرچه تعریف درستی به نظر می‌رسد؛ اما فهم موضوع و درون مایه را دشوارتر می‌کند. عمیق بودن درون مایه به پنهان و استنباطی بودن آن مربوط می‌شود در تعریف شمیسا چند نکته قابل تامل است: ۱. موضوع فشرده و درون مایه گسترده است. منظور از فشرده و گسترده بودن مشخص نیست. زیرا فشرده و گسترده نقطه مقابل همدیگر نیستند.

شمیسا در جایی دیگر تم و موضوع را یکی در نظر گرفته و تفاوتی میان آنها قابل نشده است. «تم یا موضوع و مطلب را هم گاهی معادل موتیف به کار می‌برند.» (شمیسا، ۱۳۷۶: ۱۳۳). این تعریف (یکسان انگاشتن موضوع و تم) نمی‌تواند درست باشد که این خود باز تردید و شک خواننده را بیشتر می‌کند. «موضوع یک اندیشه کلی و زیر بنایی است که با توجه به مناسبات ملموس و وقایع داستان توصیف می‌شود؛ اما درون مایه بیانی انتزاعی است. معمولاً موضوع داستان در یک کلمه قابل بیان است؛ عشق، انتقام، حسادت، مرگ و... درحالی که درون مایه معمولاً در یک عبارت یا جمله بیان می‌شود.» (فرهنگ نامه ادبی فارسی: ذیل موضوع) در تعریف فوق چند نکته مشترک با بقیه تعاریف دیده می‌شود و آن؛ اندیشه کلی بودن، بیان شدن موضوع با توجه به مناسبات ملموس داستان (موقعیت‌ها، کنش‌ها، شخصیت‌ها و...) در یک کلمه قابل بیان بودن است. اما اینکه موضوع در یک کلمه و درون مایه در یک عبارت یا یک جمله بیان می‌شود، چندان درست نیست. جمله یا کلمه نمی‌تواند شاخص دقیقی برای شناخت موضوع و درون مایه باشد هر دو می‌توانند کلمه یا عبارت یا جمله باشند؛ اما اغلب کلمه است. مصطفی مستور نیز موضوع را این گونه تعریف می‌کند: «نویسنده ممکن است زندگی را زشت، ترسناک، زیبا، یاس‌آور و پوچ یا جاودانه ببیند؛ در هر حال این نگاه و ادراک نویسنده از هستی در تلقی او از موضوع داستانش تأثیر می‌گذارد و در سراسر اجزای آن ریزش می‌کند» (مستور: ۱۳۷۹: ۳۰). آنچه که نویسنده می‌نویسد، داستان نام دارد. زندگی موضوع داستان و زیبا بودن یا زشت بودن زندگی درون مایه است. البته تعریف فوق به صورت واضح و مستقیم چنین منظوری را بیان نمی‌کند. او در تعریف درون مایه می‌گوید: اگر موضوع‌ها را به جهان بینی تشبیه کنیم، درون مایه‌ها ایدئولوژی‌های برگرفته از جهان بینی‌ها هستند. در حقیقت موضوع به آنچه که هست، دلالت می‌کند و درون مایه به آنچه که باید باشد اشارت دارد.» (همان: ۳۰). نویسنده به جای تشریح و توضیح اصل اول یعنی تشبیه موضوع به جهان بینی و درون مایه به ایدئولوژی، بحث را به جهتی دیگر سوق می‌دهد. شاید اگر درباره جهان بینی و ایدئولوژی کمی بیشتر توضیح می‌دادند، تفاوت و تمایز موضوع و درون مایه هم روشن‌تر می‌شد. «موضوع، مقوله‌ای ذهنی است که بازتاب دهنده اندیشه غایی درباره حیات بشر است؛ درحالی که درون مایه عینی‌تر و یکی از بی‌شمار بیان‌های ممکن یک موضوع است. موضوع مفهومی عام است که شامل موقعیت‌ها، حالات اولیه وجود یا حیات انسان است» (تقوی و دهقان، ۱۳۸۸: ۱۲) تعریف موضوع داستان به عنوان اندیشه غایی درباره حیات بشری یک حکم کلی است که شناخت موضوع را در ذهن خواننده پیچیده می‌کند.

«درون مایه که در زبان انگلیسی به صورت Theme کاربرد دارد، در زبان فارسی به شکل‌های دیگری مانند مضمون و تم هم دیده می‌شود. درون مایه از دو بخش "درون" به معنای داخل و میان و "مایه" به معنای اصل و بن هر چیز تشکیل شده است که در مجموع به معنی "اصل درونی هر چیز" است "مضمون" نیز در لغت به معنی در میان گرفته شده و آنچه از کلام و عبارت فهمیده می‌شود، آمده است.» (فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد: ذیل درون مایه) در تعریف درون مایه گفته شده: "درون مایه، مضمون یا تم، فکر اصلی و مسلط هر اثر ادبی است. خط یا رشته‌ای که در خلال اثر کشیده می‌شود و وضعیت و موقعیت‌های داستان را به هم پیوند می‌دهد. به بیانی دیگر، درون مایه را به عنوان فکر و اندیشه حاکمی تعریف کرده‌اند که نویسنده در داستان اعمال می‌کند و به همین جهت است که می‌گویند درون مایه هر اثری، جهت فکری و ادراکی نویسنده‌اش را نشان می‌دهد. (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۱۷۴) تعریف فوق در اکثر منابع و آثار مربوط به حوزه داستان دیده می‌شود. تعریفی محتوایی که مخاطب را در فهم درون مایه کمک می‌کند؛ اما

این تعریف، تعریفی جامع و مانع نیست. نقص تعریف ذکر شده این است که صحبتی از موضوع نشده؛ یعنی جهت فکری و ادراکی نویسنده نسبت به موضوع داستان است نه چیز دیگر. اکثر محققان و منتقدان در بیان تعریف درون‌مایه از نقل و قول میرصادقی استفاده می‌کنند. درحالی که می‌توان با ارائه و تحلیل داستان و عناصر آن مرز میان موضوع و درون‌مایه را مشخص و یک تعریف قابل فهم ارائه نمود. تکیه بر تعاریف کلی و بدون مصداق داستانی مخاطب را سردرگم می‌کند. «درون‌مایه، اندیشه مرکزی و حرف اصلی هنرمند یا نویسنده است که در محتوا و قالب خاصی (موضوع) به تعبیر کشیده می‌شود. درون‌مایه درحقیقت جوهر اصلی یک کار ادبی است و از طریق همان عناصر است که مسیر اندیشه و تفکر صاحب اثر روشن می‌شود» (فرزاد، ۱۳۸۷: ۲۶-۲۵). در این تعریف درون‌مایه و موضوع به درستی تعریف شده اگرچه در تعریف موضوع ابهام وجود دارد؛ اما درجمله دوم منظور از «همان عناصر» مشخص نیست. رونالد تویبیس در کتاب درون‌مایه در داستان می‌نویسد: «درون‌مایه تصمیمات شما را درباره‌ی انتخاب راه و این که کدام انتخاب برای داستان شما درست و کدام یک نادرست است، جهت می‌دهد. همان‌طور که می‌نویسیم تازه شروع به درک واقعی معنای اثر می‌کنیم؛ اما با داشتن درون‌مایه در واقع کار را بر اساس مفهومی می‌سازیم که ما را از ابتدا هدایت می‌کند. درون‌مایه نباید همانند چیز مبهمی در ذهن شما باشد؛ بلکه باید مانند سایر الگوها، الگویی قابل اجرا و عملی باشد. انتخاب درون‌مایه‌ای که با داستان شما سازگار باشد کمک خواهد کرد تا بتوانید ایده‌ی خود را به وضوح بیان کنید». (تویبیس، ۱۳۸۹: ۱۱۸) تویبیس تعریف مناسبی از درون‌مایه ارائه می‌دهد. اما از موضوع سخنی به میان نمی‌آورد. شاید عیب کار او در همین نکته باشد. وب کنی در تعریف درون‌مایه می‌گوید: «درون‌مایه داستان را فقط با مطالعه کامل و مسئولانه آن می‌توانیم کشف کنیم که لازمه این کار، آگاهی مستمر از روابط میان قسمت‌های مختلف داستان و نیز رابطه قسمت‌های داستان به کلیت آن است.» (کنی، ۱۳۷۹: ۵۳). تویبیس، کنی و فرزاد تعریف مناسبی از درون‌مایه ارائه می‌دهند. تنها عیب آنها این است که از موضوع تعریفی نمی‌دهند. چراکه به نظر می‌رسد آنها به طور ضمنی موضوع را با داستان یکی انگاشته‌اند.

موضوع یک اثر داستانی، همیشه جایی یا کسی یا موقعیتی است. برای مثال اگر موضوع داستان حسن، تهران یا عشق زهره به منوچهر باشد؛ در آن صورت درون‌مایه چیزی است که نویسنده می‌خواهد درباره حسن، تهران یا عشق بگوید. مثلاً تهران شلوغ ترین شهر جهان است. با این تعریف، موضوع، کانون و مرکز توجه داستان و تم یا مضمون، نظریه‌ای است که درباره این قسمت از قلمرو و تجربه انسانی بیان می‌شود. بدیهی است که تم نتیجه کلیه فعالیت‌های عناصر داستان است. یعنی؛ از مجموع فعل و انفعالات و اعمال اشخاص، لحن و آهنگ، طرح و سایر عوامل داستان به دست می‌آید. (رک یونسی ۳۰-۳۱). موضوع چیزی است که داستان درباره آن صحبت می‌کند؛ اما درون‌مایه برداشت و استنباط خواننده از موضوع داستان است. برای روشن‌تر شدن بحث، عناصر مشترک و تفاوت در تعاریف درون‌مایه و موضوع در جدولی جداگانه ارائه می‌شود:

جدول ۱- تفاوت و شباهت‌های تعاریف درون‌مایه (ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸)

عناصرهای متفاوت	عناصر مشترک در تعاریف
۱. مفهومی ذهنی و نه عینی است	۱. جهت گیری فکری و ادراکی نویسنده از موضوع داستان
۲. در آن نتیجه گیری اخلاقی وجود ندارد	۲. درون‌مایه از موضوع به دست می‌آید
۳. درون‌مایه یک ایدئولوژی برگرفته از جهان بینی (موضوع)	۳. آنچه از داستان استنباط می‌شود
۴. درون‌مایه نتیجه گیری اخلاقی نیست	۴. معمولاً در یک جمله یا یک عبارت بیان می‌شود
۵. معمولاً ناخودآگاه و عمیق است	۵. حرف اصلی و اندیشه مرکزی نویسنده
۶. درون‌مایه گستره است برخلاف موضوع	۶. درون‌مایه در میان کنش‌ها و حوادث داستان نهفته است
۷. در ژرف ساخت داستان نهفته است	۷. مفهومی کلی و فراگیر

عناصر مشترک در اکثر تعاریف دیده می‌شود. اما عناصر متفاوت اغلب نگاه و نگرش یک نویسنده و منتقد به موضوع و درون‌مایه است

جدول ۲- تفاوت و شباهت های تعاریف موضوع (ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸)

عناصرهای متفاوت	عناصر مشترک (تعریف اکثر منتقدان)
موضوع فشرده است برخلاف درون مایه	موضوع ممکن است عینی یا ذهنی باشد.
موضوع آگاهانه و در سطح روساخت داستان مطرح می شود	مجموعه از پدیده ها و موقعیت ها و کنش هاست.
موضوع پیش از خلق اثر وجود دارد.	به صورت مصدر یا اسم مصدر بیان می شود.
موضوع جهان بینی است.	موضوع در یک کلمه قابل بیان است.
مقوله ای ذهنی است.	آنچه که داستان درباره آن بحث می کند.
مقوله ای عینی است.	نگاه و ادراک نویسنده نسبت به زندگی.
موضوع داستان همیشه جایی یا کسی یا موقعیتی است	یک مفهوم کلی و عام.

در جدول شماره ۱ عناصرهای مشترک و متفاوت در تعاریف منتقدان بیان شده است. اغلب منتقدان اعتقاد دارند؛ درون مایه از موضوع بدست می آید، درون مایه اندیشه و فکر اصلی داستان، درون مایه در یک جمله بیان می شود، درون مایه مفهومی کلی و فراگیر است. همه تعاریف ذکر شده، می تواند درست باشد؛ اما آنچه مهم است، فهم مخاطب از این تعاریف و دریافت درون مایه داستان است. اگر درون مایه و موضوع در یک ساختار شکلی و در قالب تحلیل مصداق صورت گیرد، خواننده به راحتی تفاوت موضوع و درون مایه را درک می کند.

در جدول شماره ۲ مخاطب با تعاریف متعددی از موضوع روبرو می شود. موضوع می تواند عینی یا ذهنی باشد، موضوع در یک کلمه قابل بیان است، موضوع به صورت مصدر یا اسم مصدر قابل بیان است. موضوع یک مفهوم کلی و عام است. همه این تعاریف به صورت شفاهی و در قالب گفتار برای مخاطب آسان است؛ اما زمانی که بخواهد این مفاهیم را در داستان بررسی کند با مشکل مواجه می شود. محدود کردن موضوع به یک کلمه بودن یا در قالب اسم مصدر یا مصدر بیان شدن، نه تنها مخاطب را به تعریف دقیقی نمی رساند؛ بلکه شاخص درست و دقیقی برای شناخت موضوع نیست. موضوع آن چیزی است که داستان درباره آن بحث می کند. مجموعه حوادث داستان، کنش ها، کشمکش ها و گفت و گوها در مجموع موضوع داستان را بیان می کنند. نکته مهم این است که برای شناخت درون مایه و موضوع، باید از داستان شروع کرد. وقتی نوشته ای داستان خوانده می شود، خواننده می گوید داستانی را خوانده ام. این عنوان می تواند بر هر نوشته ای که روایت شده، اطلاق شود؛ اما وقتی پرسیده می شود موضوع آن چیست؟ می توان پاسخ های متفق القولی از خوانندگان متفاوت شنید که چندان از هم دور نیستند. برای مثال موضوع اجتماعی یا سیاسی یا اخلاقی است؛ اما وقتی پرسیده می شود درون مایه آن چیست؟ هر نوع جوابی که داده می شود، فاصله بین اندیشه نویسنده و فهم مخاطب را روشن می سازد. ممکن است دریافت های مختلف و متعددی صورت گیرد که این امری طبیعی است. برای نمونه «دانش اکل» هدایت یک داستان است. موضوع آن با توجه به درک خواننده می تواند اجتماعی، فلسفی، خانوادگی و... باشد. یعنی اندکی اختلاف درباره موضوع؛ اما فهم درون مایه بین خوانندگان اختلاف ایجاد می کند.

جدول شماره ۳- تعاریف ساختاری- محتوایی موضوع (ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸)

تعاریف ساختاری	تعاریف محتوایی
موضوع در یک کلمه قابل بیان است.	مفهومی عام و کلی است
موضوع در رو ساخت داستان قرار دارد.	آگاهانه و سطحی است
به صورت مصدر یا اسم مصدر بیان می شود.	موضوع همان جهان بینی است.
مقوله ای فشرده است.	موضوع داستان همیشه جایی یا کسی یا موقعیتی است
	آنچه که در داستان هست و درباره آن صحبت می شود.

جدول شماره ۴- تعاریف ساختاری- محتوایی درون مایه (ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸)

تعاریف ساختاری	تعاریف محتوایی
درون مایه در قالب یک جمله یا ترکیب بیان می شود.	جهت گیری و تفسیر نویسنده از موضوع داستان است
درون مایه در ژرف ساخت داستان قرار دارد.	انچه از داستان استنباط می شود.
درون مایه گسترده و قابل پرورش است.	اندیشه مرکزی و حرف اصلی هنرمند
	درون مایه ایدئولوژی برگرفته از جهان بینی (موضوع) است. ناخودآگاه و عمیق است.

اختلافها و شباهتها نشان می دهد که ارائه یک تعریف درست و قابل فهم از موضوع و درون مایه چندان کار آسانی نیست. با توجه به شباهتها و تفاوت های موجود در تعاریف؛ چه از نظر ساختاری و چه از نظر محتوایی، می توان یک تعریف مناسب و روشن تر ارائه داد. برای رسیدن به یک تعریف مشخص می توان تعاریف مربوط به حوزه ساختاری و محتوایی را جداگانه مورد بحث قرار داد. با توجه به تعاریف این نتیجه به دست می آید که درون مایه با موضوع یکسان نیست. تاکنون تعاریف مفهومی زیادی درباره این دو اصطلاح ذکر شده که جامع و مانع نیستند. (ر.ک جدولها) برخی منتقدان و نویسندگان، نگاه متفاوتی نسبت به موضوع و درون مایه دارند. برای نمونه نسرین جهانگیری در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «مقایسه داستان های منتخب نادر ابراهیمی برای کودک و نوجوان» موضوع داستان را به این صورت تقسیم بندی می کند: موضوع های سیاسی- اجتماعی و روانشناسی و درون مایه را با عنصرهای چون: (دشمنی، اختلاف و تفرقه، عدالت، خبر چینی و... (ر.ک جهانگیری، ۱۳۹۰) بیان می کند. نویسنده، موضوع داستان «دور از خانه» اثر ابراهیمی را اخلاقی و تعلیمی می داند. موضوع داستان کلاغها را اجتماعی- سیاسی در نظر می گیرد و درون مایه داستانها را نکوهش سخن چینی و تفرقه می داند. «همان: ۱۰۰) الهه چیت سازی نیز در پژوهشی با عنوان «بررسی درون مایه های تهی داستان های منتخب کودک دهه هفتاد، نگاهی متفاوت به درون مایه و موضوع دارد. او موضوعات را به صورت: اجتماعی، روانشناسی، تاریخی، مذهبی، سیاسی و... تقسیم می کند و درون مایه را مسائلی مرتبط با این حوزه ها می داند. مثلا موضوع داستانی، روانشناسی است و درون مایه آن؛ خود شناسی، اضطراب و ترس و... است. (ر.ک چیت سازی، ۱۳۹۰).

نگرش و دریافت جهانگیری و چیت سازی آن چیزی است که مورد نظر نویسندگان این مقاله است. هدف اصلی از تعریف درون-مایه موضوع همین است؛ اما بهتر است روشن تر و قابل فهم و جزئی تر ارائه شود تا به یک وحدت نگاه درباره داستان دست یابیم.

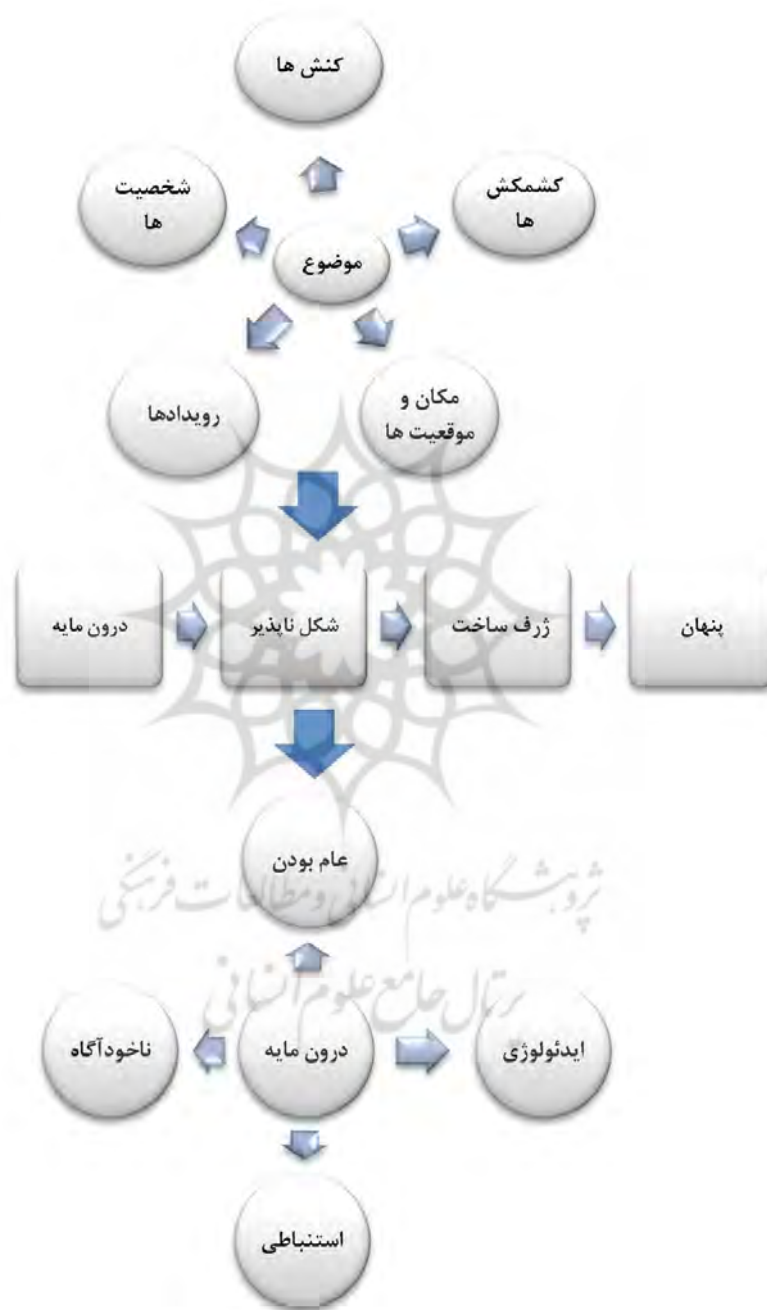
محمدهادی محمدی در کتاب «روش شناسی نقد ادبی ادبیات کودک» درباره موضوع و درون مایه می گوید: «موضوع می تواند هم نام درون مایه باشد؛ اما درون مایه نیست. برای مثال عشق هم می تواند موضوع و هم درون مایه داستان باشد. «محمدی، ۱۳۸۷: ۲۳۷). پس با توجه به تعریف ذکر شده، نمی توان گفت درون مایه در یک جمله و موضوع در یک کلمه بیان می شود. در تعریف محمدی گفته شده که هر دو می توانند در یک کلمه بیان شوند.

#### ۴- تعاریف نویسندگان مقاله

درون مایه؛ واژه یا اصطلاح پر محتوایی است که ظاهر آن همگان شناخته شده است. لایه لایه و تودرتو است. در همه سطح می توان از آن سخن گفت. همه می توانند در موردش حرف بزنند. گیج کننده است. زمان و مکان در آن وجود ندارد. درخود حادثه دارد؛ اما خود حادثه نیست.

موضوع؛ قصه، داستان، ضرب المثل و... است. همه عناصر داستان یا حداقل زمان و مکان و شخصیت را درخود دارد. برای مثال واژه یا اصطلاحاتی چون؛ عشق، مرگ و... می توانند درون مایه قرار بگیرند و همه ویژگی های ذکر شده فوق را در خود دارند. اینکده نویسنده مثلا عشق را در چه سطحی می خواهد بیان کند، بسیار مهم است. زیرا نوع برداشت و تبیین عشق چگونگی موضوع را مشخص می کند. برای روشن تر شدن تعریف می توانیم نقطه مرکزی دایره پرا که شاخک پرگار در آن قرار می گیرد، درون مایه بنامیم و دایره ای که شاخک دوم را ایجاد می کند، موضوع در نظر می گیریم. طبیعی است به دلیل عمیق بودن و اهمیت محور(درون مایه)، دایره می تواند گستره بیشتری داشته باشد و هرچه این گستره بیشتر شود، بر عمیق بودن و فرو رفتگی شاخک اول اثر می گذارد. بین گونه محور(درون مایه) و شعاع(موضوع) در یک توازن قرار می گیرند. موضوع؛ آن چیزی است که داستان

درباره آن صحبت می‌کند. کشمکش‌ها، گفت‌وگوها، کنش‌ها، حوادث، شخصیت‌ها، موقعیت‌ها همگی بیان‌کننده موضوع داستان است. آنچه در بطن و ژرف ساخت داستان قرار دارد، درون‌مایه است. نویسندگان تحقیق با استفاده از این تعاریف و برای روشن‌تر شدن بحث موضوع و درون‌مایه و جلوگیری از خلط این دو مفهوم، ساختار زیر را پیشنهاد می‌دهند. به نظر نویسندگان با تعاریف مفهومی و شبیه هم نمی‌توان به تفاوت میان این دو مقوله دست یافت؛ بلکه با استفاده از یک ساختار منسجم می‌توان تا حدودی مرز میان موضوع و درون‌مایه را مشخص نمود. بنابراین نویسندگان ساختار زیر را پیشنهاد می‌دهند:



### توضیح شکل

رویدادها، شخصیت‌ها، کنش، کشمکش‌ها و موقعیت‌ها، موضوع داستان را تشکیل می‌دهند. حاصل و مجموعه این عناصر، موضوع داستان را شکل می‌دهند؛ چرا که گفتم موضوع آن چیزی است که داستان درباره آن صحبت می‌کند و در روایت داستان

قرار دارد. موضوع شکل پذیر است؛ یعنی مخاطب به راحتی می‌تواند آن را دریابد. درون‌مایه در میان اجزای داستان تنیده شده است؛ در ژرف ساخت داستان. خواننده درون‌مایه را استنباط می‌کند؛ درحالی که موضوع را از رو ساخت و ظاهر داستان می‌یابد. برای ملموس‌تر شدن ساختار فوق و شناخت بهتر درون‌مایه و موضوع به ذکر نمونه مثالی از داستان‌های کودک پرداخته می‌شود.

داستان اول: جوجه اردک زشت اثر اندرسن

- حادثه اول ← تولد دیر هنگام جوجه اردک نسبت به دیگر جوجه‌ها.
- حادثه دوم ← ظاهر زشت و متفاوت جوجه.
- حادثه سوم ← طرد شدن جوجه از خانواده.
- حادثه چهارم ← رانده شدن از اجتماع جوجه اردک‌ها. در ادامه جوجه اردک با نام‌لایمات و سختی‌های زیادی روبرو

می‌شود.

همه حوادث و عناصر داستان در شکل دادن به موضوع داستان به هم مرتبط‌اند. ظاهر متفاوت و چهره زشت موضوعی است که همه حادثه‌ها در تایید و انتقال آن به مخاطب طراحی شدند. نویسنده برای اندیشه مورد نظر در ذهن خویش و ارائه آن، از موضوع کمک می‌گیرد. موضوع، درون‌مایه داستان را ارائه می‌دهد. کشمکش‌های شخصیت‌ها نیز بستری است برای برجسته کردن موضوع داستان.

- کشمکش اول ← کشمکش جوجه اردک با مادر و سایر اردک‌ها (فکری)
- کشمکش دوم ← کشمکش با طبیعت (سرمای زمستان)
- کشمکش سوم ← کشمکش جوجه اردک با خود.
- کشمکش چهارم ← کشمکش با غازه‌های جوان و اردک وحشی (جسمانی). عنصری بعدی که در برجسته کردن و فهم موضوع داستان، موثر است، کنش شخصیت هاست.

کنش اول: تبعیض مادرانه و ابراز زشتی جوجه اردک.

واکنش جوجه اردک: اثبات توانایی از طریق شنا کردن.

کنش دوم: نگاه و سخنان تمسخرآمیز سایر جوجه اردک‌ها.

واکنش جوجه اردک: ترک خانواده و گروه.

تمام کنش و واکنش‌های شخصیت‌ها شگردی است برای آشکار کردن موضوع داستان. عنصر بعدی موقعیت‌های زمانی و مکانی داستان است. نویسنده موقعیت‌ها را برای نشان دادن موضوع طراحی می‌کند.

جوجه اردک در کلیه ای قدیمی و دهکده زندگی را آغاز می‌کند. مسیر جوجه اردک را می‌توان در قالب نمودار زیر طراحی کرد:

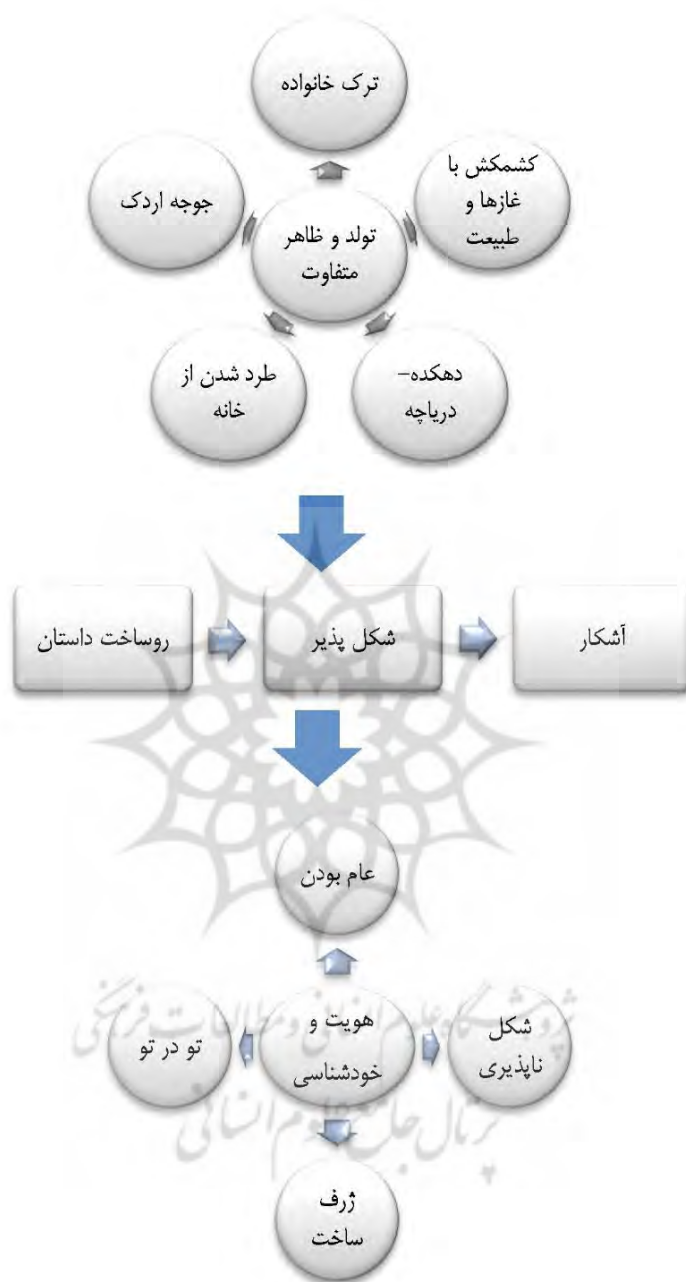
دهکده ← مرداب ← جنگل ← برکه ← دریاچه.

موقعیت‌های مکانی ذکر شده، شگردهای نویسنده برای عمق بخشیدن به درون‌مایه و به تصویر کشاندن آن است. جوجه اردک از دهکده تا دریاچه حوادثی (موضوع) را از سر می‌گذراند تا به هویت خود (درون‌مایه) دست یابد. مسیر زمانی نیز از تابستان شروع می‌شود تا فصل بهار. رنج و سختی‌های جودک اردک در این مسیر زمانی (باد پاییز و سرمای زمستان) همه برای برجسته کردن موضوع است. همه عناصر مطرح شده موضوع داستان را نمایش می‌دهد.

شخصیت‌ها، مکان‌ها، کشمکش‌ها، کنش‌ها، گفت‌وگوها همگی موضوع داستان را تشکیل می‌دهند. نویسنده همه عناصر داستان (موضوع) را به کار می‌گیرد تا درون‌مایه را برای مخاطب تصویر کند. درون‌مایه همان‌گونه که گفته شد، تو در تو و پنهان است. نیاز تامل و تلاش بیشتری دارد. برخلاف موضوع که در ظاهر داستان آشکار است. نویسنده کشمکش شخصیت‌ها، گفت‌وگوها و کنش‌ها را برای بیان اندیشه مرکزی داستان (هویت) به کار می‌گیرد. موضوع، بستری است که درون‌مایه را بیان می‌کند. جوجه اردک در ابتدا نسبت به سایر جوجه‌ها زشت و متفاوت است. (موضوع). حال موضوع (کشمکش، کنش و...) دست به دست



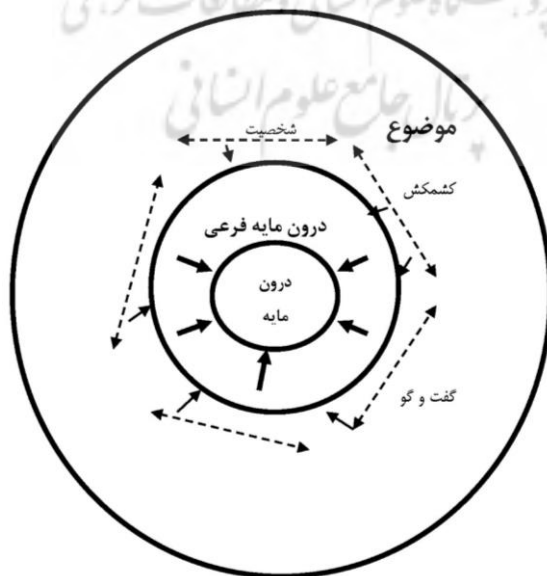
هم می‌دهند تا درون‌مایه (هویت) را که در ژرف ساخت داستان پنهان شده به تصویر بکشند. در شکل زیر می‌توان درون‌مایه و موضوع داستان جوجه اردک زشت را مشاهده کرد.



### نتیجه گیری

با توجه به تعاریف ذکر شده درباره درون‌مایه و موضوع، می‌توان به این نتیجه رسید که نمی‌توان بدون ارائه مصداق و نمونه داستانی به تعریف مناسب دست یافت. در تعریف برخی از منتقدان، از مفاهیم و عبارتهای ذهنی و مفهومی استفاده شده که فهم مساله را دشوارتر کرده است. تعاریف ذکر شده اشتباه نیستند و هر کدام می‌توانند درست باشند؛ اما استفاده از عبارتهای پیچیده و کش‌دار، چندان کمکی به فهم مساله نمی‌کند. برای مثال در تعریف درون‌مایه و موضوع گفته شده: موضوع، فشرد و درون‌مایه گسترده است. موضوع را می‌شود آگاهانه پروراند؛ اما درون‌مایه معمولاً ناخودآگاه و عمیق است» (شمیسا، ۱۳۸۸: ۳۷۳) در تعریف مورد نظر نوعی تناقض دیده می‌شود. ابتدا گفته شده موضوع فشرده است؛ اما در ادامه صحبت از پروراندن و گسترش موضوع است

که نه تنها تعریف روشنی نیست بلکه مخاطب را دچار سردگمی می‌کند. یا در تعریف موضوع گفته شده، موضوع مقوله‌ای ذهنی است. یا مفهومی کلی درباره حیات غایی بشر. به جای استفاده از این تعابیر می‌توان در یک رابطه شکلی- ساختاری درون-مایه و موضوع را از هم تفکیک کرد. نکته قابل ذکر این است که تعریف ارائه شده در این تحقیق نیز نمی‌تواند تعریفی کاملاً دقیق باشد و نویسندگان نیز چنین ادعایی ندارند؛ اما هدف، انتخاب آسانترین لفظ و عبارت و استفاده از نمونه داستانی برای انتقال مفهوم موضوع و درون‌مایه است. نکته دیگری که می‌تواند به تعریف درون‌مایه و موضوع کمک کند، جایگاه نویسنده یعنی ارسال کننده و مخاطب به عنوان گیرنده است. نویسنده با توجه به تفکر، اندیشه و تجربه خود یک درون‌مایه را در ذهن تولید می‌کند و آن را می‌پروراند. آنگاه برای ارسال آن به مخاطب دنبال ابزارهایی می‌گردد تا بتواند آن را به آسانترین و روشن‌ترین وجه به مخاطب ارائه نماید. مجموع ابزارها که همگی عناصر داستان هستند، موضوع را تشکیل می‌دهند. در واقع موضوع، بستری است که توسط نویسنده کارسازی می‌شود تا از طریق آن درون‌مایه به مخاطب منتقل شود. از سوی دیگر مخاطب یا خواننده ابتدا با موضوع که با نام کلی داستان مطرح می‌شود، روبرو و داستان را می‌خواند، موضوع را با شکل اولیه اش می‌فهمد. آنگاه از خلال موضوع، درون‌مایه را درک می‌کند. در واقع درون‌مایه هدف و موضوع وسیله است. هرچه درون‌مایه قوی‌تر باشد، نویسنده نیاز به تجربه و مهارت بیشتری برای پرورش و پردازش آن دارد. این پرورش، موضوع است. درون‌مایه و موضوع می‌توانند یک کلمه یا یک جمله باشند؛ اما یک کلمه یا یک جمله بودن، صرفاً نمی‌تواند درون‌مایه یا موضوع بودن را مشخص سازد. مجموع موضوع و درون‌مایه داستان را تشکیل می‌دهد. داستان نام عام و کلی هر نوشته‌ای است که موضوع و درون‌مایه را در خود دارد. برای نمونه داستان «ماهی سیاه کوچولو» اثر بهرنگی را در نظر بگیرید. ماهی سیاه کوچولو یک داستان است. موضوع آن نارضایتی از محیط یکنواخت زندگی است نویسنده برای انتقال درون‌مایه (آزادی، عادت‌گریزی) از ابزارهایی مانند: کشمکش (کشمکش فکری ماهی سیاه با مادر و سایرماهی‌ها، کشمکش جسمانی با مرغ سقا و...) کنش‌ها (ترک خانه و برکه به وسیله ماهی سیاه، نگرانی مادر ماهی از جدایی) و مکان (برکه کوچک، جویبار، رود و در نهایت دریا) استفاده می‌کند. همه این ابزارها در مجموع موضوع داستان را نشان می‌دهند و موضوع نیز بستری برای ارائه درون‌مایه است. موضوع مجموعه عناصر داستان است که نویسنده برای ارائه درون‌مایه از آن کمک می‌گیرد. به اعتقاد نویسندگان مقاله، تا زمانی که از نمونه مثال و شاهد داستانی برای تعریف درون‌مایه و موضوع استفاده نشود؛ نمی‌توان تعریف روشنی از دو مقوله به مخاطب داد. از گذشته تاکنون تعاریف متعددی از موضوع و درون‌مایه ارائه شده که اگرچه برخی از آنها درست به نظر می‌رسد؛ اما همواره برای مخاطب قابل فهم نبوده است. برای مثال گفتن این مطلب که موضوع یک مقوله ذهنی درباره حیات غایی بشر است، برای مخاطب چندان روشن نیست یا زمانی که گفته می‌شود موضوع و درون‌مایه را می‌توان به جهان بینی و ایدئولوژی نسبت داد، بدون ارائه مصداق آن در ادبیات داستانی نتیجه مطلوبی به دست نمی‌دهد. اگرچه تعریف، تعریفی درست است؛ اما با این تعریف مخاطب مرز میان آن دو را تشخیص نمی‌دهد. نویسندگان مقاله در قالب مصداق داستانی و شکل زیر به تفکیک موضوع و درون‌مایه پرداخته‌اند تا به فهم بهتر و دقیق‌تر آن کمک کنند. در شکل زیر می‌توان رابطه و نسبت درون‌مایه و موضوع را مشاهده کرد.



## منابع

- انوشه، حسن (۱۳۸۰) فرهنگنامه ادب فارسی، تهران، نشر سازمان چاپ و انتشارات.
- بیات، حسین، علیقلی زاده، حسین (۱۳۹۰) تفاوت موضوع با اصطلاحات هم خوشه خود و کاربرد آن در سبک شناسی. مجله سبک شناسی نظم و نثر، سال چهارم، شماره چهارم، صص ۲۶۵-۲۸۳.
- پاکباز، روئین (۱۳۹۳) دایره المعارف هنر: نقاشی، پیکر سازی و گرافیک، نشر فرهنگ معاصر.
- تویبایس، رونالد (۱۳۸۹) درون مایه داستان، ترجمه مهنوش طلایی، نشر ریش.
- جهانگیری، نسرين (۱۳۹۰) مقایسه داستان‌های نادر ابراهیمی در ۱۰ اثر منتخب کودک و نوجوان. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا.
- چیت سازی، الهه (۱۳۹۰) بررسی درون مایه‌های تهی در ادبیات کودک دهه هفتاد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- داد، سیما (۱۳۹۳) فرهنگ اصطلاحات ادبی. تهران، نشر مروارید. چاپ ششم.
- شمسیا، سیروس (۱۳۸۸) نقد ادبی، تهران، نشر میترا. چاپ دوم.
- -----، ----- (۱۳۷۶) نگاهی به فروغ، تهران، نشر مروارید.
- فرزاد، عبدالحسین (۱۳۷۸) درباره نقد ادبی، تهران: نشر قطره.
- کنی، و. پ (۱۳۷۹) «درون مایه»، ترجمه مهرداد ترابی نژاد. مجله ادبیات داستانی، شماره ۵۳، صص ۴۴-۵۲.
- محمدی، محمد هادی (۱۳۸۷) روش شناسی نقد ادبی در ادبیات کودک، تهران: نشر مولف.
- مستور، مصطفی (۱۳۷۹) مبانی داستان کوتاه؛ تهران، نشر مرکز.
- میر صادقی، جمال و میمنت میر صادقی (۱۳۷۷) واژه نامه‌ی هنر داستان نویسی، تهران، کتاب مهناز، چاپ اول
- میر صادقی، جمال (۱۳۸۵) عناصر داستان، تهران نشر سخن. چاپ سوم.
- یونسی، ابراهیم (۱۳۸۴) هنر داستان نویسی، تهران، نشر نگاه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

